

نگاهی به روزنامه‌نگاری شهروندی و جریان‌هایی که این شاهدان عینی دردنیای روزنامه‌نگاری امروزمی‌سازند

وب بازهای موج‌ساز

فرنوش آبا

آنها دنیای رسانه را متحول کرده‌اند؛ با گوشی‌های هوشمند و تبلت‌های‌شان، با فیلم‌ها و عکس‌هایی که اتفاق کیفیت مطلوبی هم ندارند شبکه‌های اجتماعی را فزایش کرده‌اند. شهروند- خبرنگاران همه جاسهند و تبدیل شده‌اند به چشم سوم رسانه‌ها؛ آن هم بدون اینکه کارت دعوتی در کار باشد. کسی دقیق نمی‌داند از چه زمانی قدم به دنیای زور نالیسم و رسانه گذاشته‌اند؛ شاید قبل از اینکه حتی گوشی هوشمندی در کار باشد آنها با نامه‌نگاری به روزنامه‌ها درباره مشکلات شهری، رسالت‌شان را انجام می‌دادند اما هر چه هست در این سال‌ها آنقدر قدرتمند ظاهر شده‌اند که رسانه‌های رسمی کشورها به فکر افتاده‌اند تا از جسارت و سرعت عمل آنها نهایت استفاده را داشته باشند. خاورمیانه‌ای‌ها با وجود اتفاقات سیاسی اجتماعی داخل کشورشان، پیشروی عرصه شهروند- خبرنگاری هستند. اگر از نقش شهروند- خبرنگاران در انعکاس اتفاقات سال ۸۸ ایران بگذریم، می‌رسیم به وقایع پیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه. جوان سیزی فروش تونس می‌رابطه یاد دارد؟ همان جوان ۲۶ ساله تونس که پنج سال پیش در اعتراضی به توقف جرح دستنی اش توسط پلیس و در نتیجه بیگارشدن، اقدام به خودسوزی کرد. فیلم‌ها و عکس‌هایی که از او در شبکه اجتماعی منجر شد، عامل اصلی قیام مردم تونس بود. بعد از این واقعه، پلیس و مقامات دولتی هر گونه اطلاع رسانی از اعتراضات را ممنوع کرد با این حال معترضان، فیلم‌های ضبط شده با گوشی‌های موبایل را در اینترنت منتشر کردند که همین اتفاق کافی بود تا شبکه‌های بزرگ خبری جهان و در راس آنها الجزیره به بخش این فیلم‌ها بپردازد. فیلم‌هایی که از لحاظ فنی بی کیفیت بودند اما تا آرامی‌های تونس را به خوبی انعکاس

می‌دادند. این تنها

یک نمونه از تاثیر

کار خبرنگاران در

برانگیختن واکنش

مردم یک جامعه

است. اتفاقات کوچک و بزرگ زیادی

این روزها دور و برمان رخ می‌دهند که جرقه

اصلی خیلی‌های‌شان را شهروند- خبرنگاران

زده‌اند. از تصادف پورشه زرد و سیل اخیر تهران

گرفته تا مسابقات والیبال و شادی‌های بعد از اتفاقات

هستهای از ماجرای «وال استریٹ» تا المپیک لندن، همه با جریان سازی شهروند-خبرنگاران بولد شدند. اما آیا موج سازی این خبرنگاران بیرون آمده از دل جامعه، همیشه به نفع مردم است یا گاهی هم می‌تواند با خبرهای جعلی، مخاطبان را گمراه کنند؟ آیا باید شهروند-خبرنگاران محدود شود یا دست‌شان باز باشد و قضاوت را به عهده خود مخاطبان بگذاریم؟ در آستانه هفدهم مرداد، روز خبرنگار می‌خواهیم ببینیم موج سازی شهروندان-خبرنگاران چه فایده‌هایی به حالمان داشته و برای یک شهروند خبرنگار خوب بودن یا بد چه کرد.

با دوبار فیلم گرفتن، شهروند-خبرنگار نمی‌شوید

امیر دبیری مهر، پژوهشگر رسانه و مدرس روزنامه‌نگاری از پیامدهای مثبت و منفی کار شهروند-خبرنگاران در جامعه می‌گوید: آیا هر کسی با مکتوب کردن تخيلات ذهنی اش به یک شهروند- خبرنگار تبدیل می‌شود؟ یک شهروند- خبرنگار باید نگران چه خطاهایی باشد؟ و اساسا موفقیتش چگونه سنجیده می‌شود؟ به چه مهارت‌هایی نیاز داریم تا به یک شهروند- خبرنگار موفق تبدیل شویم؟ کدام شهروند-خبرنگاران توانایی این را دارند که مردم جامعه را وادار به واکنش‌های تاثیر گذار کنند؟ این سوالات بهانه گفت و گوی ما با امیر دبیری مهر، پژوهشگر رسانه و مدرس روزنامه‌نگاری شد. به عقیده او در یک جامعه آگاه، شهروندان آنقدر مسوولیت پذیرند که منتظر رسانه‌های رسمی نمی‌مانند و گفت‌وگو درباره یک اتفاق با فاصله کم از آن یا حتی هم‌زمان با آن، شکل می‌گیرد.

از پارک کردن ماشین تا انقلاب تونس

شهروندانی که تخصصی در عرصه ارتباطات ندارند، از پارک کردن نامناسب یک اتومبیل یا یک تصادف در خیابان عکس می‌گیرند و شرح عکس می‌گذارند یا گزارش سساده و عامیانه‌ای درموردش می‌نویسند. شهروند-خبرنگاران شهروندانی هستند که حس مسوولیت‌شان نسبت به بقیه بیشتر است. در خاورمیانه پس از پیداری اسلامی، این پدیده شکل جدیدی گرفت. جرقه انقلاب عربی از تونس شروع شد.

محدودیت‌ها را پشت سر بگذارید

در ایران پدیده شهروند-خبرنگاری چه زمانی شکل گرفت؟ مدارس روزنامه‌نگاری و پژوهشگر عرصه ارتباطات در این باره به «شش و هفت» می‌گویند: «نمی‌شود لحظه تولدی برای آن نظر گرفت.

از چه زمانی استفاده از اینترنت پر سرعت و ابزارهای هوشمند ارتباطی در جامعه رواج پیدا کرد؟ از همان زمان هم پدیده شهروند-خبرنگاری شکل گرفت. بهانه‌های اجتماعی باعث شده که خاورمیانه و به ویژه ایران در این زمینه پیشرو باشد. البته قابل انکار نیست که ایران در زمینه توسعه اینترنت پر سرعت از کشورهای دیگر خاورمیانه عقب‌تر است. سرعت پایین اینترنت، یکی از موانع کار شهروند-خبرنگاران است.

او در ادامه توضیح می‌دهد: «حدود پنج سال است که در کشورهای خاورمیانه مثل مصر و تونس این پدیده شکل گرفته است. در ابتدا شهروند-خبرنگاری پدیده عجیبی بود اما در حال حاضر دیگر کاملا به رسمیت شناخته شده و حتی رسانه‌های رسمی و دولتی نسبت به شهروند-خبرنگاران احساس نیاز پیدا کرده‌اند و از آنها برای همکاری و تولید محتوای دعوت می‌کنند. حتی صدا و سیما می‌گوید هم به این سمت می‌رود که از تولیدات شهروند-خبرنگاران استفاده کند.»

آیا شهروند-خبرنگاران، همیشه به نفع مردم عمل می‌کنند یا نه؛ گاهی هم می‌توانند با خبرهای جعلی، مخاطبان را به گمراهی بکشانند؟

اطلاعات کم شمارا گرفتار می‌کند

یک شهروند-خبرنگار مثل یک خبرنگار آموزش نمی‌بیند. چطور می‌تواند این کاستی را جبران کند و روی اصول پیش برود؟ این سوالی است که دبیری مهر در جواب آن می‌گوید: «یک شهروند-خبرنگار معمولا به صورت آماتور و بدون آموزشی خاص وارد حیطه خبر و گزارش می‌شود. ضعف‌های زیادی هم ممکن است در کارشان ببینیم، برای مثال اگر متن تولید می‌کنند ممکن است قواعد ویرایش را رعایت نکنند. گاهی به زبان فارسی تسلط ندارند و این ممکن است به کارشان تا حدودی آسیب وارد کند. گاهی هم اصول اخلاقی کار رسانه‌ای را بلد نیستند و رعایت نمی‌کنند. بعضی مواقع هم به دلیل آشنایی نداشتن با حریم‌های اخلاق عمومی و حتی قانون در درس‌های حقوقی و قضایی برای خودشان ایجاد می‌کنند. در حال حاضر، امکان اینکه از شهروند-خبرنگاران دعوت کنیم که بیایند و جایی آموزش ببینند، وجود ندارد. کسانی که خودشان علاقه مند باشند در کلاس‌های مختلف شرکت می‌کنند و آموزش لازم را می‌بینند اما شهروند-خبرنگار جنسش این است که به صورت غیر سازمان دهی شده فعالیت می‌کند و از دل جامعه بیرون می‌آید. راهی که پیش رویمان می‌ماند آموزش از طریق شبکه‌های اجتماعی است. نهادهای مسوول و همین‌طور ان‌جی‌اوها می‌توانند اصول کار خبرنگاری و اطلاع رسانی را در قالب آموزش‌های عمومی به جامعه تزیق کنند. با این کار فضایی ایجاد می‌شود تا کسانی که علاقه‌مند به این کارند با اصول آشنا شوند. البته می‌شود دوره‌های آموزشی هم در فرهنگ‌سراها و مکان‌های مشابه برگزار کرد اما نمی‌توانیم آموزش را الزامی کنیم. به همین دلیل بهترین راه انتشار اصول آموزشی از طریق شبکه‌های اجتماعی است.»

لطفا حریم خصوصی را رعایت کنید!

دبیری مهر درباره این موضوع که شهروند-خبرنگار چه مهارت‌هایی باید داشته باشد؟ توضیح می‌دهد: «همان ویژگی‌هایی که یک خبرنگار باید داشته باشد، شامل حال شهروند-خبرنگار هم می‌شود. جسارت، کنجکاوی و سواد مهم‌ترین آنهاست. تولیدکننده متن باید با زبان رسمی فارسی آشنا باشد. زبان گفت و گو را بداند، تا حدی سواد دیجیتال داشته باشد تا بتواند از وسایل ارتباط جمعی استفاده کند. تعامل را بلد باشد و بتواند رابطه خوب و موثر برقرار کند.» یک شهروند-خبرنگار چه آسیب‌هایی می‌تواند به جامعه بزند؟ این مدرس روزنامه‌نگاری در پاسخ می‌گوید: «اگر در یک شهروند-خبرنگار، ویژگی فرصت طلبی و بی اعتنایی به قوانین کشور بیش از حد باشد، منشاء آسیب‌های عمومی خواهد شد. شهروند-خبرنگاران در همه جای دنیا باید حریم خصوصی را رعایت کنند و به مسائل عمومی جامعه توجه کنند، نه مسائل خصوصی افراد. باید شدیدا مراقب باشند که از بزرگ نمایی سوژه‌ها خودداری کنند. دروغ‌گویی و تحریف مسائل از طرف شهروند-خبرنگاران نه تنها باری از دوش جامعه بر نمی‌دارد بلکه منشاء خسارت به جامعه است. در حال حاضر نیاز داریم که برای کار شهروند-خبرنگاری هم قوانینی را تدوین کنیم، نه برای محدود کردن این پدیده بلکه برای مصون کردن کار شهروند-خبرنگاری. کسانی که می‌خواهند شهروند-خبرنگار باشند باید خودشان را مقید به منافع و مصالح عمومی بدانند و از دروغ‌گویی، ورود به حریم شخصی دیگران و تحریف افکار عمومی پرهیز کنند.»

حواس‌مان باشد زیر ذره بین هستیم

دبیری مهر در جواب این سوال که یک شهروند خبرنگار چطور می‌تواند با خبرها و عکس‌هایش جامعه را به واکنش وادار کند؟ می‌گوید: «فتی خبری تولید می‌کنیم، پیامدهای تولیدش در اختیار ما نیست. چون جامعه مخاطب بسیار متنوع است. بنابراین واکنش‌ها به خبر مختلف است و ما نمی‌توانیم انتظار واکنش یکدست مردم را داشته باشیم و پیش بینی دقیقی بکنیم اما خبری که ما تولید می‌کنیم به هر حال دیر و زود دیده خواهد شد و واکنش‌های متفاوتی هم به احتمال قوی خواهد داشت. اگر اصل را بر این بگذاریم همیشه در انتشار عکس و فیلم و دقت لازم را خواهیم داشت تا بی‌گدار به آب نزنیم. در عین حال کار خودمان را هم کم اهمیت تلقی نمی‌کنیم.»

از زلزله آذربایجان تا طوفان کاترینا

اتفاقات مهم دنیا که شهروند-خبرنگاران آن‌ها را برجسته کردند

بسیاری از اتفاقات مهم یک شهر یا کشور به مدد شهروند-خبرنگاران تبدیل به جریان‌هایی شده‌اند که ذهن تمام مردم دنیا را به خود مشغول کرده‌اند:

زلزله آذربایجان

در زلزله آذربایجان که مرداد سال ۹۱ اتفاق افتاد شهروند-خبرنگاران در انعکاس گرفتاری‌ها و مشکلات مردم زلزله‌زده نقش مهمی داشتند. بعضی از رسانه‌های تندروی داخلی اعلام کردند که شهروند-خبرنگاران سیاه‌نمایی کرده و نقش دولت و صدا و سیما را در اطلاع رسانی و کمک به زلزله‌زده ضعیف نشان داده‌اند. با این حال تلاش شهروندان برای ثبت وقایع باعث شد توجه مردم به مصیبت‌هایی که بر سر مردم این منطقه آمده بود، بیشتر معطوف شود

و خیلی‌ها به صورت انفرادی یا در قالب تیم‌های چند نفره و به صورت خودجوش برای کمک به مردم به محل زلزله بروند. در این زلزله بیشترین خسارت به اهر و ورزقان وارد شد. مهم‌ترین علامت سوالی که برای مخاطبان وجود داشت آمارهای ضد و نقیض مسوولان درباره کشته‌شدگان حادثه بود. رییس سازمان مدیریت بحران قریباً بیان کرد ۵۳۲ نفر، وزارت بهداشت ۳۰۶ نفر و پزشکی قانونی ۱۶۹ نفر اعلام کرده‌اند. این در حالی بود که بر اساس اعلام سازمان جمعیت هلال احمر، ۱۶ هزار مراسم ترحیم برای درگذشتگان این زمین‌لرزه برگزار شده بود.

طوفان کاترینا

وقتی این طوفان در آگوست سال ۲۰۰۵ در نیواورلئز آمریکا اتفاق افتاد، سی ان ان خیلی از عکس‌ها و خبرهای منتشر شده را از مردم عادی دریافت کرد. عکس‌هایی که نشان می‌داد شهروندان به دلیل بودن پایه خانه‌ها در آب‌روی سقف ساختمان‌ها رفته‌و گرفتار شده‌اند. در این حادثه ۸۵ شهروند به‌ویژه جمعیت آف رفت، اعزام خبرنگاران به محل حادثه هم به همین دلیل بسیار سخت بود اما در عین حال به خاطر نبود دسترسی به منطقه، خبرگزاری و روزنامه‌ها قادر به کنترل صحت خبرها نبودند و شایعات زیاد و اطلاعات کمابیش اشتباهی بخش‌شان شد. مثلاً یکی از شهروندان بی مسئولیت در توئیترش اعلام کرد که ساختمان بورس سهام نیویورک یک متر زیر آب رفته است. بخش این شایعه در آن روز صدمه زیادی به مبادلات بورس زد.

جنبش وال استریت

۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱ برای نیویورکی‌ها تاریخ مهمی است. نابرابری‌های اقتصادی باعث شد عده زیادی از مردم آمریکادر خیابان وال استریت (مقر بورس نیویورک) دست‌به‌اعتراضات و تظاهرات گسترده بزنند. اعتراضاتی که تا ۲۴ مارس ۲۰۱۲ ادامه داشت. تصرف واشغال وال استریت به وسیله گروه کاتالانی «کتیو بسیم ادیاسترز» فراخوانده شد. بعضی این جنبش را با خیزش‌های خاورمیانه به‌ویژه تجمعات میدان تحریر و انقلاب ۲۰۱۱ در مصر مقایسه می‌کنند. خواسته‌اشغال کنندگان وال استریت عمدتاً رفاه نابرابری‌های اقتصادی، مبارزه فقر هنگ اقتصادی سرمایه‌داری و باز بین بردن دسترسی ونفوذ دلان شرکتی وغول‌های پولی در دولت آمریکاست. اولین جرقه جنبش، زمانی زده شد که دولت امکان دسترسی مطبوعات و خبرگزاری‌ها را به پارک «زو کانی» که محل اجتماع هزاران نفر از معترضان بود، محدود کرد و در نتیجه شهروندی به نام «تیم پول» با گوشی سلسونگ خود، اتفاقات پارک را در شبکه اجتماعی ustream، قرار داد. او اولین نفری بود که اطلاعات خام این جنبش را در اینترنت منتشر کرد. این جنبش نشان داد که رسانه‌های سنتی دیگر مثل سابق قوی نیستند و در چنین مواردی شکست می‌خورند. دولت اقدام داشت این جنبش را به کلی کتمان و پوشش خبری آن را محدود کند، در نتیجه شهروندان-خبرنگاران خودشان دست به کار شدند و خبرها را منتشر کردند.

شلوغی‌های فرگوسن و نقش مهم هشنگ

هشنگ‌ها در کار شهروند-خبرنگاران تاثیر زیادی دارند. مهم‌ترین نمونه‌اش هم به جریان شلوعی‌ها که در فرگوسن آمریکادر سال ۲۰۱۴ برمی‌گردد. در جریان این حادثه آنتونیو مارتین، جوان ۱۸ ساله سیاه پوست توسط یک افسر آمریکایی در میم‌پنژر کشته شد. نظرات مخالف و موافق زیاد بود، عده‌ای حق را به جوان سیاه پوست می‌دادند و بعضی هم معتقد بودند پلیس برای دفاع از خود در برابر جوان مجرم مسلح چاره دیگری نداشته است. البته نظر معترضان به موافقان پلیس غلبه داشت، چون جوان سیاه پوست تا ۳۰ دقیقه بعد از شلیک، زنده بوده اما پلیس نه تنها با آمبولانس تماس نمی‌گیرد بلکه محل حادثه را ترک می‌کند. از طرفی شاهدان می‌گویند سه ساعت بعد از اینکه به پسر سیاه پوست شلیک شده تازه معلوم شد که اسلحه داشته است. در این اتفاق هم ابتدا مادران ماجرا خبر را منتشر کردند و تمام نظرات با هشنگ «antoniomartin» منتشر شد. نظراتی که به دلیل وجود این هشنگ در یک جای ثابت متمرکز شدند و مردم با استفاده از این هشنگ می‌توانستند به سرعت از روند ماجرا، دادگاه پلیس متهم و... مطلع شوند.

سقوط ویلسون و تویت جنجالی

مایک ویلسون، مهندس نرم افزار کامپیوتر بعد از حادثه‌ای که برای بوئینگ ۷۳۷-۵۰۰ در هنگام پرواز از فرودگاه بین‌المللی دنور افتاد، مورد جدیدی در خبرگذاری زنده شهروندان از خود به جا گذاشت. زمانی که شعله‌های آتش در هنگام حادثه هواپیما را در بر گرفته بود، مایک ویلسون قبل از پیاده‌شدن از هواپیما اولین تویت خود را از طریق موبایل برای خانواده و دوستانش ارسال کرد، او نوشت: «لعنتی هواپیمای من همین الان سقوط کرد!»

اوزهانی که به خانه برگشت دوباره از طریق سرویس میکرو بلاگینگ و بسیار محبوب توئیتر چند تویت فرستاد. هواپیما در ساعت ۶:۲۲ به وقت محلی در باند فرودگاه تغییر جهت داد و یکی از دوموتورش از کار افتاد و آتش گرفت و سپس هواپیما در برف لغزد. تمام سمت راست پدنه سوخت و قسمت بالاستیکی آن کاملاً ذوب شد. وایع آن وارد جایگاه ۱۵۵ نفری مسافرین شد و تمامی افراد هواپیما به سمت درهای اضطراری فرار کردند. زنده ماندن همه سر نشینان هواپیما چیزی شبیه معجزه بود. بعد از فرستادن این ویت، فالون‌های ویلسون چند برابر شدند.

